

## تناسب و ارتباط میان سوره های قرآن

حسن خرقانی

یکی از جلوه های تناسب و ارتباط در ساختار قرآن کریم، مناسبت‌های موجود میان سوره های آن است. این موضوع از سوی بسیاری از مفسران و پژوهشگران علوم قرآن بررسی و پی گیری شده و حجمی از تفاسیر و کتابهای علوم قرآن را به خود اختصاص داده است. تفاسیری مانند: مجمع البیان، تفسیر کبیر فخر رازی، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، المنار، تفسیر مراغی، الاساس فی التفسیر و شماری دیگر که از روابط میان سوره ها سخن گفته اند.

کتابهای جداگانه ای نیز در این باره نگاشته شده است؛ همچون البرهان فی مناسبت ترتیب سور القرآن از ابوجعفر بن زبیر و تناسق الدرر فی تناسب السور از جلال الدین سیوطی.

در برابر این نظر، گروهی دیگر از عالمان و پژوهشگران که ترتیب سوره ها را به اجتهاد صحابه می دانند، به انکار این مناسبتها پرداخته اند و آنها را قلم فرسایی هایی بیهوده و تکلف آمیز قلمداد کرده اند؛ از جمله استاد آیت الله معرفت که این گونه تناسبها را بی فایده و رنج آور خوانده می نویسد:

«هیچ تناسب معنوی میان سوره ها با یکدیگر وجود ندارد و هرگز ترتیب موجود بین سوره ها توقیفی نیست، بلکه این کار به دست صحابه از روی برخی مناسبتها - مثلاً بزرگی و کوچکی سوره ها و از این قبیل - انجام گرفته است.»<sup>۱</sup>

کسانی که در این زمینه به بحث پرداخته اند، سخن گفتن از تناسب سوره ها را متوقف بر توقیفی بودن ترتیب آنها دانسته اند و این مسأله طبیعی به نظر می رسد که اگر ترتیب سوره ها و حیانی نباشد جست و جوی مناسبت میان آنها بی پایه خواهد بود، و اگر و حیانی باشد باید در این چینش حکمتی نهفته باشد و به خاطر مناسبتی دو سوره کنار یکدیگر قرار گرفته باشند.

از دیدگاه سومی با وجود آن که این نظر ترجیح دارد که ترتیب سوره های قرآن در زمان رسول اکرم (ص) شناخته شده بوده و از طریق وحی انجام پذیرفته است، اما این بدان معنی نیست که حتماً باید میان دو سوره همجوار مناسبتی وجود داشته باشد، زیرا ممکن است حکمت این گونه ترتیب در قالب کلی آن نهفته باشد و حکمت‌های دیگری غیر از مناسبت دو سوره با یکدیگر، دخالت داشته باشد همان گونه که صبحی صالح می نویسد:

«ترتیب توقیفی سوره ها لزوماً به این معنی نیست که میان هر سوره و سوره پس از آن رشته های پیوندی نزدیک وجود داشته باشد.»<sup>۲</sup>

از سوی دیگر کسانی که تنظیم یافتن سوره ها را پس از دوران پیامبر می دانند، می توانند تناسب میان سوره ها را به صورت قاعده ای کلی و فراگیر نفی کنند، اما نمی توانند انکار کنند که برخی از این سوره ها جایگاه واقعی آنها مانند ترتیب کنونی، کنار یکدیگر بوده است، همانند سوره های: بقره و آل عمران، عنکبوت و روم، صافات و ص، زخرف و دخان، جاثیه و احقاف، ضحی و شرح، فیل و قریش و مانند آنها، زیرا شدت تناسب این سوره ها به گونه ای است که جز به گزاف نمی توان منکر تناسب آنها شد.

بنابراین بهتر آن است که در تناسب سوره ها به صورت میدانی پیش رویم و به جای آن که به صورتی کلی داوری کنیم، به پیوندهایی که میان دو سوره موجود است نظر کنیم و بسنجیم که آیا به صورت طبیعی و با ذوقی سلیم می توانیم پیوندهای یاد شده را بپذیریم یا آن که به نظر ما ارتباطی وجود ندارد.

از این رو به جای آن که با استناد به برخی تناسبهای سست و تکلف آمیز که برخی استخراج کرده اند به رد ارتباط میان سوره ها پردازیم و سخن گفتن در این باره را اتلاف وقت بدانیم، بهتر آن است که راه مقایسه گری میان دو سوره همجوار و تدبّر در نقطه های اشتراک میان آن دو را باز گذاریم، و چه بسا با این کار، شناخت بهتر و دقیق تری از سوره های قرآن به دست آید و لطایف دیگری از قرآن کشف گردد همان گونه که این نتایج به دست آمده است.

#### انواع ارتباط میان سوره ها

با بررسی و تحلیل آنچه مفسران و نگارندگان حوزه علوم قرآن درباره تناسب میان سوره ها یاد کرده اند وجوه گوناگونی را در هم پیوندی سوره ها می توان شماره کرد که در اینجا مهم ترین آنها را همراه با نمونه هایی در چهار محور خلاصه می کنیم:

۱. ارتباط مضمونی میان سوره های همجوار؛
۲. ارتباط آغاز هر سوره با فرجام سوره پیشین؛
۳. همانندی دو سوره در آغاز یا فرجام؛
۴. دیدگاه سعید حوئی در چگونگی ارتباط میان سوره ها.

#### ۱. تناسب مضمونی در سوره های همجوار

یکی از وجوه تناسب میان دو سوره، هماهنگی مضمونی میان آن دو است، به گونه ای که دو سوره همجوار در موضوعات و مطالبی که عنوان می کنند به شکلی همگونی داشته باشند؛ این همگونی می تواند به این صورت باشد که سوره دوم، ادامه دهنده و تکمیل کننده سوره پیش از خود باشد و یا مطالب اجمالی آن را تفصیل دهد و یا موضوع مطرح شده در هر دو یکی باشد؛ حتی ممکن است میان مطالب آن دو، رابطه تقابل وجود داشته باشد و مواردی از این دست.

پس از گذر از سوره فاتحه الكتاب که دریچه ورود به قرآن کریم است و فشرده مطالب آن را در بردارد می بینیم که میان دو سوره بقره و آل عمران پیوندی نزدیک وجود دارد، به گونه ای که هر دو در بیان پایه های اساسی دین مانند توحید، نبوت و مانند آن هم داستان هستند، و بنابر نقل زرکشی سوره بقره به منزله اقامه دلیل بر حکم، و آل عمران به منزله پاسخ از شبهات مخالفان است. در سوره بقره به یهود و در آل عمران به مسیحیان بیشتر خطاب شده است، چرا که انجیل دنباله رو تورات است و رویارویی رسول اکرم(ص) پس از هجرت نخست با یهود و در آخر کار با مسیحیت

در دو سوره بعد که نساء و مائده باشد باز همین اتحاد و تلازم وجود دارد، اما در بیان احکام و قانون برخوردها و روابط. شرح مناسبت میان مائده و نساء را از زبان رشیدرضا پی می گیریم:

«همان گونه که روشن است قسمت عمده سوره مائده در احتجاج با یهود و نصارا و مقداری در ذکر منافقان و مشرکان است، و این همان چیزی است که در سوره نساء تکرار شده بود و در آخرش از آن به تفصیل سخن گفته شد، و این قوی ترین مناسبت و آشکارترین وجه پیوند میان دو سوره است؛ گویا آنچه در این سوره آمده متمم و کامل کننده مطالب گذشته است.

و در هر یک از دو سوره بخشی از احکام عملیه در عبادات و حلال و حرام آمده است؛ از جمله احکام مشترک در این دو، آیات تیمم و وضو است و همین طور حلیت ازدواج با زنهای پاکدامن و مؤمن، و در سوره مائده پاکدامنان اهل کتاب نیز حلال شده اند که متمم احکام ازدواج در سوره نساء است. از دیگر مشترکات در سفارشهای کلی فرمان به بپای داشتن عدالت و گواهی به عدل است بدون ترس از کسی و همین طور سفارش به تقوا.

از نکات لطیف تناسب این دو سوره آن است که سوره نساء راه تحریم شراب را هموار ساخته و سوره مائده آن را به طور کلی حرام کرده است. البته احکامی نیز وجود دارد که ویژه هر سوره است.»<sup>۴</sup>

از جمله سوره هایی که رابطه نزدیک دارند سوره هال انفال و توبه هستند؛ رشید رضا می نویسد:

«تناسب میان این دو سوره و سوره پیش از آن، از تناسب سایر سوره ها با هم آشکارتر است؛ گویی سوره توبه در اصول دین و سنتهای الهی و نظام تشریح و قانون گذاری متمم سوره انفال است. البته بیشترین قانونهای این دو سوره درباره احکام جنگ و مسائل مربوط به آن، مانند آمادگی رزمی و عوامل پیروزی در جنگ است.

همچنین در احکام مربوط به حفظ یا نقض معاهدات و پیمانها و دوستی و ولایت در جنگ و غیرجنگ میان مؤمنان با یکدیگر و کافران با یکدیگر و نیز در احوال مؤمنان راستین و کفرپیشگان و منافقان بیمار دل، سوره توبه کامل کننده سوره انفال است.

پس هر آنچه در سوره نخست، آغاز به طرح شده است در سوره دوم پایان یافته و اگر نبود که سوره بندی قرآن و اندازه سوره ها متوقف بر نص است. آنچه گفتیم مؤید کسانی است که گفته اند از این دو سوره یکی است، همچنان که ترتیب سوره ها از نظر طولانی بودن نیز این مسأله را تأیید می کند.»<sup>۵</sup>

در مجمع البیان از امام صادق(ع) نیز روایت شده است که فرمود: انفال و براءت یکی می باشند.<sup>۶</sup>

نمونه ای دیگر را از اجزاء پایانی قرآن بر می گزینیم؛ مراغی چگونگی مناسبت سوره نبأ را با سوره پیش از آن؛ مرسلات، چنین باز می گوید:

«سوره نبأ شامل اثبات قدرت بر برانگیختن مردگان است که در سوره پیشین یاد شده و کافران آن را تکذیب می کردند.

۲. چه در این سوره و چه در سوره قبلی سرزنش و کوبیدن تکذیب کنندگان وجود دارد؛ در آنجا گفته شد:

«ألم نخلقکم من ماء مهین» (مرسلات/۲۰) و اینجا گفته می شود: «ألم نجعل الأرض مهاداً» (نبأ/۶)

۳. در هر دو سوره توصیف بهشت و جهنم و نعمتهای پرهیزکاران و عذابه‌های منکران وجود دارد.

۴. در این سوره تفصیل آنچه در سوره پیشین از یوم الفصل گفته شد آمده است؛ در آنجا می گوید: «لأی یوم أجلت. لیوم الفصل. و ما أدراک ما یوم الفصل» (مرسلات/ ۱۴ - ۱۲) و اینجا می گوید: «إنّ یوم الفصل کان میقاتاً» (نبا/ ۱۷) تا به آخر سوره. ۷»

چنان که ملاحظه شد در نمونه های یادشده جهات گوناگونی در تناسبهای مضمونی میان دو سوره وجود داشت که از جهات بارز آن تکمیل گری سوره دوم نسبت به سوره پیشین و تفصیل برخی مطالب مجمل آن بود. سیوطی تفصیل این اجمال را به صورت قاعده ای فراگیر در روابط میان سوره ها چنین می نگارد.

«قاعده ای که قرآن بر آن پایه ریزی شده آن است که هر سوره تفصیل و شرح و بسط مطالب فشرده و اجمالی سوره پیش از آن است. در نزد من این مسأله در بیشتر سوره های قرآن، خواه طولانی و خواه کوتاه، ثابت شده است.» ۸»  
گاه ممکن است این تناسب به صورت تقابل میان دو سوره باشد، همان گونه که در سوره «معاون» چهار صفت ذکر شده که در سوره «کوثر» نقیض آنها آمده است؛ در سوره معاون خداوند منافقان را به چهار صفت توصیف می کند: بخل، ترک نماز، ریا در نماز و منع از زکات. سپس در سوره کوثر که پس از آن آمده، در مقابل بخل می گوید: «أنا اعطیناک الکوثر»، و در مقابل ترک نماز می گوید: «فصل» یعنی بر آن پایدار باش، و در برابر ریا می گوید «لربک» یعنی برای رضای پروردگارت نه کس دیگر، و در برابر معاون می گوید: «وانحر» یعنی قربانی کن و گوشت آن را صدقه بده. و به این ترتیب مناسبتی شگرف میان این دو سوره برقرار شده است. ۹»

۲. ارتباط آغاز سوره با پایان سوره پیشین

افزون بر پیوند کلی که در مضمون دو سوره ممکن است وجود داشته باشد گاه آغاز یک سوره با پایان سوره پیشین همانندی دارد و حلقه اتصال نزدیکی دو سوره را به هم مرتبط می کند. به گفته ابوزید این علاقه خاص به پیوند اسلوبی و لغوی نزدیک تر است، در حالی که علاقه های دیگر کلی، پیوند در مضمون و محتوا می باشند. ۱۰»  
زرکشی می نویسد:

«زمانی که به آغاز هر سوره بنگری در می یابی که مناسبتی کامل با پایان سوره پیشین از خود دارد. این مناسبت گاهی نهان و گاه آشکار است.» ۱۱»

از جمله در بخش پایانی سوره فاتحه این گونه دعا می شود که: «اهدنا الصراط المستقیم» و در آغاز سوره بقره آمده است:

«ألم ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتّقین» گویا در آغاز سوره بقره به این دعا پاسخ داده می شود که آن صراط مستقیمی که درخواست کرده بودید همان راهی است که این قرآن ترسیم می کند.

در پایان سوره «حج» این عبارت وجود دارد «وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون». این جمله در سوره «مؤمنون» که پس از آن می آید گشوده می شود و خصلتهای موجب فلاح و رستگاری بیان می گردند: «قد أفلح المؤمنون. الذین هم فی صلاتهم خاشعون...»

گاه واژه یا موضوعی که در انتهای سوره ای آمده است در آغاز سوره بعد تکرار می گردد؛ مثل آن که سوره «طور» به این آیه ختم شده است که: «و من الليل فسبحه و إدبار النجوم» و سوره «نجم» با همان واژه آغاز می گردد: «والنجم إذا هوی».

سوره «واقعه» با امر به تسبیح پایان می یابد: «فسبح باسم ربك العظيم» و سوره «حدید» نیز با تسبیح آغاز می گردد: «سبح لله ما فی السموات و الأرض».

سوره «جاثیه» با توحید و ربوبیت خداوند پایان می یابد و در آنجا می آید: «وله الكبرياء فی السموات و الأرض و هو العزيز الحكيم» و سوره «احقاف» نیز با توحید و خالقیت خداوند آغاز می شود. «تنزیل الكتاب من الله العزيز الحكيم» با استفاده از نصوصی از قرآن که می فرماید: «و قضی بینهم بالحق و قيل الحمد لله رب العالمین» (زمر/۷۵) و «فقطع دابر القوم الذين ظلموا و الحمد لله رب العالمین» (انعام/۴۵) ارتباطی کلی میان داوری و حل و فصل امور و حمد خداوند متعال و نیز میان هلاکت ستمکاران و حمد الهی می توان یافت که بر اساس آن، نوعی تناسب در برخی از سوره ها ظهور می یابد. در پایان سوره مانده خداوند در روز قیامت میان عیسی بن مریم و قومش درباره ادعای الوهیت وی داوری می نماید و سپس سوره انعام با «الحمد لله» شروع می شود. ۱۲.

سوره فاطر نیز با «الحمد لله» آغاز می شود که مناسب با پایان سوره قبل آن؛ یعنی سوره سبأ است که می فرماید: «وحیل بینهم و بین ما یشتهون كما فعل بأشیاعهم من قبل إنهم فی شكّ مریب» (سبأ/۵۴)

از دیگر سوره هایی که آغاز یکی با پایان دیگری در ارتباط است سوره های «فیل» و «قریش» است، به گونه ای که برخی آن دو را یک سوره به حساب آورده اند، بنابراین وجه تعلیلی که در آغاز سوره «قریش» آمده است که «لایلاف قریش. لایلافهم رحلة الشتاء و الصيف» متعلق به سوره «فیل» است؛ یعنی نتیجه آنچه خداوند متعال نسبت به اصحاب فیل انجام داد که «فجعلهم كعصف مأكول»، الفت دادن قریش و تأمین سفرهای تجاری آنان بود، و به گفته اخفش، اتصال آغاز سوره قریش با سوره فیل از باب «فالتقطه آل فرعون لیكون لهم عدواً و حزناً» (قصص/۸) می باشد؛ یعنی این لام، لام عاقبت است و متعلق به سوره گذشته می باشد. ۱۳ البته تفسیر دیگری نیز وجود دارد که این لام را متعلق به آیات خود همین سوره می داند. ۱۴.

### ۳. همانندی در آغاز و فرجام سوره های پایی

یکی دیگر از گونه های تناسب میان سوره ها، همانندی برخی سوره های همجوار در آیات آغازین و گاه در آیات پایانی است. همانندی آغاز در سوره هایی که با حروف مقطعه شروع گشته اند نمود بیشتری دارد، همان گونه که تمامی سوره هایی که با «حم» افتتاح شده اند کنار یکدیگر قرار گرفته اند.

بر اساس قاعده ای که در تناسب آغاز و انجام سوره با محتوای آن یاد شد، همانندی در آغاز یا انجام می تواند نشانگر تشابه مضمونی دو سوره نیز باشد. بنابراین، این گونه سوره ها از نظر محتوا نیز در یک راستا قرار دارند و تفاوتی که در سرآغازهای آنها وجود دارد ما را به تفاوتی محتوایی آنها رهنمون می شود. اکنون به بررسی همانندی های سرآغاز می پردازیم:

سوره های بقره و آل عمران که کنار یکدیگر آمده اند هر دو با «الم» آغاز گشته و در آغاز بقره گفته می شود: «ذلک الکتاب لاریب فیه...»، در آغاز آل عمران نیز آمده است: «نزل علیک الکتاب بالحقّ مصدّقاً لما بین یدیه...». چنان که یاد شد این دو سوره در بیان اصول دین قرینه یکدیگرند.

از سوره یونس تا سوره حجر به ترتیبی که یاد می شود آغازی شبیه به هم دارند:

یونس: «الر کتاب أحکمت آیاته ثمّ فصلت من لدن حکیم خبیر»

یوسف: «الر تلک آیات الکتاب المبین»

رعد: «الر تلک آیات الکتاب و الذی انزل الیک من ربّک الحقّ و لکنّ اکثر الناس لا یؤمنون»

ابراهیم: «الر کتاب أنزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور باذن ربّهم الی صراط العزیز الحمید»

حجر: «الر تلک آیات الکتاب و قرآن مبین»

همان گونه که دیده می شود در آغاز تمامی این شش سوره حروف مقطعه «الر» به کار رفته است، البته در سوره رعد، حرف «میم» نیز افزوده شده است که بنابر مبنای علامه طباطبایی باید نشانگر داشتن نوعی افزایش نسبت به مقاصد سوره های «الر» باشد.

پس از حروف مقطعه در تمامی آنها توصیفی از قرآن وجود دارد که این توصیفها نزدیک به یکدیگرند و تفاوتهای آنها بر اساس حکمتی است ناشی از چگونگی محتوا و مقاصد این سوره ها؛ به عنوان نمونه رشید رضا درباره سوره یوسف می نویسد:

«آغاز این سوره همان آغاز سوره یونس است با این تفاوت که در اینجا قرآن توصیف به «مبین» و در آنجا توصیف به «حکیم» شده است و این دو آغاز در بالاترین درجه بیان و در نهایت حکمت و استواری قرار دارند، و می بینیم که در هر یک از دو سوره توصیفی انتخاب شده که مناسب با آن دو است، چه آن که موضوع سوره یونس اصل دین است که توحید در عبودیت و ربوبیت و اثبات وحی و رسالت از طریق اعجاز قرآن و رستاخیز و جزاست، و اینها از حکمت اند، و سوره یوسف سرگذشت پیامبری بزرگوار است که ماجراهایی گوناگون را گذرانده است و در تمامی آنها الگویی نیکو به شمار می آید بنابراین بیان و روشنی با آن مناسب تر است.» ۱۵

البته این هماهنگی کلی در آغاز این شش سوره نشان دهنده آن است که همه در یک مجموعه قرار دارند، اما چگونگی ترتیب میان خود آنها که کدام مقدم و کدام مؤخر شده و به چه دلیل، خود نیازمند تأمل و موشکافی های دیگری است.

سوره های نحل و اسراء نیز هر دو با تسبیح و تنزیه خداوند آغاز می شوند:

نحل: «أتی امرالله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالی عما یشرکون»

اسراء: «سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی»

و در پی این دو، سوره کهف می آید که آغازش با حمد خداوند است:

«الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب» و تسبیح و تحمید در قرآن کریم دو در سایر سخنان همراه هم می آیند و تسبیح بر تحمید مقدم می شود. ۱۶ همان گونه که قرآن فرموده است: «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ» (حجر/۹۸)

از دیگر سوره هایی که آغاز آنها با هم تناسب دارد، سوره های شعراء، نمل و قصص هستند، سوره نمل با «طس» و آن دو با «طسم» شروع شده اند و در آغاز هر سه سخن از قرآن وجود دارد.

و همین طور چهار سوره عنکبوت، روم، لقمان و سجده که پی در پی هستند با «الم» آغاز گشته اند. سوره های سبأ و فاطر نیز هر دو با «الحمد لله» گشوده می شوند.

بزرگ ترین مجموعه سوره های هم آغاز، حوامیم هستند که به ترتیب عبارتند از:

غافر: «حم. تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم»

فصلت: «حم. تنزيل من الرحمن الرحيم»

شوری: «حم. عسق. كذلك يوحى اليك والى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم»

زخرف: «حم. و الكتاب المبين. انا جعلناه قرآنا عربيا»

دخان: «حم. و الكتاب المبين. انا انزلناه فى ليلة مباركة»

جاثیه: «حم. تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم»

احقاف: «حم. تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم»

در تمامی این هفت سوره «حم» آیه ای مستقل شمرده شده و پس از آن درباره کتاب و وصف آن سخن رفته است. این هفت سوره مکی هستند و آن گونه که روایت شده است با هم یا در پی هم فرود آمده اند. ۱۷ از میان این سوره ها (زخرف و دخان) و (جاثیه و احقاف)، در دو آیه نخست مانند یکدیگرند و این نشان دهنده نزدیک تر بودن پیوند میان آنهاست.

مقایسه میان آغاز این هفت سوره با شش سوره ای که اشاره شد و با «الر» آغاز می شدند نکات جالبی را به دست خواهد داد، چنان که سیوطی به برخی از آنها اشاره می کند. ۱۸

در پایان گفتاری از سیوطی درباره پیوند سه سوره شمس، لیل و ضحی نقل می شود که در بردارنده پاسخ برخی پرسشها نیز هست:

«این سه سوره به خاطر مناسبتی که در آغازهای آنها وجود دارد، جداً پیوستگی خوبی دارند، چرا که میان خورشید، شب و بامداد، نوعی همگونی وجود دارد. سوره فجر نیز از این قبیل است اما به خاطر نکته مهم تری با سوره بلد از این سه سوره جدا شده است، همچنان که میان سوره انفطار و انشقاق و میان مسبحات جدایی افتاده است؛ زیرا مراعات

تناسب در نامها، آغاز و ترتیب نزول در جایی است که با مناسبتی قوی تر و مهم تر معارضه نداشته باشد.» ۱۹

گاه ممکن است دو سوره در خاتمه با یکدیگر تناسب داشته باشند و در جهاتی پایان آنها همانند یکدیگر باشد، البته این همانندی به گستردگی و روشنی سرآغازها نیست و در برخی موارد از ظرافت خاصی برخوردار است؛ مانند پایان

دو سوره یونس و هود، و گاه ممکن است چندین آیه مانده به آخر سوره، این تناسب بروز کند. ۲۰ در این بخش به مواردی از همانندی های پایان سوره ها اشاره می شود:

دو سوره یس و صافات با تسییح خداوند پایان یافته اند:

یس: «فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون»

صافات: «سبحان ربک رب العزّة عمّا یصفون. و سلام علی المرسلین. والحمد لله رب العالمین»

آخرین واژه در سوره واقعه و حدید «العظیم» است که در مورد نخست، صفت پروردگار، و در مورد دوم صفت فضل اوست.

در پایان سوره های تغابن و طلاق، سخن از گستردگی و فراگیری علم الهی است:

تغابن: «عالم الغیب و الشهاده العزیز الحکیم»

طلاق: «و أنّ الله قد أحاط بكلّ شیء علماً»

سیوطی درباره تناسب فرجام سوره جمعه با صف می نویسد:

«چون سوره صف به فرمان جهاد ختم شد و خداوند آن را تجارت نامید، این سوره نیز به فرمان به فریضه جمعه ختم شد و بیان شد که از تجارت دنیوی بهتر است.» ۲۱

به جز آنچه تاکنون از تناسب میان سوره ها یاد شد گونه های دیگری از تناسب نیز قابل شمارش است ۲۲ که یا در عناوین یاد شده می گنجد و یا مواردی جزئی است.

این نکته را نیز یادآوری می کنیم که شاید برخی از این مناسبتها به گونه ای نباشد که تنها به خاطر آن، دو سوره کنار یکدیگر قرارگیرند، اما آن را می توان به عنوان نکته ای در این میان به حساب آورد که گاهی حاکی از مناسبتی عمیق تر است، مانند اشاره داشتن همانندی دو کلمه در فرجام سوره به بخشی از همانندی محتوای آن دو.

۴. دیدگاه سعید حوی در چگونگی ارتباط میان سوره ها

سعید حوی، نگارنده «الاساس فی التفسیر» که کوشش شایانی در دریافت تناسبهای موجود میان سوره ها و آیات قرآن انجام داده است، در ترسیم چگونگی ارتباط میان سوره ها طرح خاصی دارد؛ وی با تأکید بر حدیثی که آن را حسن می شمارد، اساس کار خود را بر حصه های چهارگانه قرآن: طول، مئین، مثنی و مفصل پایه گذاری می کند و بنابر بررسی هایی که انجام می دهد و شواهدی که در آغاز تفسیر هر قسم یاد می کند، چارچوب های هر یک از این اقسام و تقسیمات آن را به شکل زیر مشخص می کند:

۱. سوره های هفتگانه طولانی که شامل بقره تا پایان سوره براءت می شود و یک مجموعه را تشکیل می دهد.

۲. قسم مئین که سوره هایی است که بیشتر آنها حدود صد آیه دارند و از «یونس» شروع و به انتهای «قصص» ختم می شوند. وی این قسم را مرکب از سه مجموعه می داند.

۳. سوره های مثنی که پس از مئین قراردارند و آیات آنها از صد کمتر است و از «عنکبوت» شروع و تا پایان سوره «ق» امتداد دارد. این قسم شامل پنج مجموعه می شود.



۴. سوره های بخش مفصل که کوتاه ترند و جدایی آنها با «بسم الله الرحمن الرحيم» بیشتر صورت گرفته است. این بخش از «ذاریات» تا انتهای قرآن گستره دارد و در آن ۱۵ مجموعه قرار گرفته است. ۲۳

سعید حوئی که از اصطلاحات «قسم» و «مجموعه» برای دسته بندی سوره ها استفاده می کند، قرآن را به چهار قسم و به ۲۴ مجموعه تقسیم می کند و در دسته بندی آیات هر سوره چهار واژه «قسم»، «مقطع»، «فقره» و «مجموعه» را به کار می برد.

قسم، اصطلاحی وسیع تر از سه دیگر بوده و در سوره های طولانی کاربرد دارد و شامل چندین مقطع می شود که وجه جامعی داشته باشند، مانند سوره بقره که چندین قسم می شود.

مقطع، که وسیع تر از فقره است در صورتی استفاده می شود که آیات هم موضوع فراوان باشند. فقره، که در رتبه بعد قرار دارد در جایی به کار می رود که یک مقطع که دارای یک موضوع است چند معنای مهم و اصلی داشته باشد، در این صورت برای هر یک از این معانی از کلمه فقره استفاده می شود. مجموعه یا کوچک ترین بخش در جایی است که هر فقره بیش از یک معنی داشته باشد و مناسب باشد به صورت جدا توضیح داده شود. ۲۴

از دیدگاه سعید حوئی سوره فاتحه اجمال معانی قرآن را در بردارد، و سوره بقره آمده است تا طریق نعمت داده شدگان و طریق غضب شدگان و گمراهان را تفصیل دهد و ۳۹ آیه آغاز آن از معانی اساسی هدایت و ضلالت سخن می گوید. بقیه سوره بقره در راستای خدمت به معانی این آیات ۳۹ گانه قرار دارد.

وی معتقد است که سوره بقره تمامی موضوعات قرآن را در خود جای داده است و همانند محوری است که دیگر سوره های قرآن آن را تفصیل می دهند. در قسم نخست که سوره بقره و مجموعه ای از سوره های طولانی باشد، سوره بقره از آغاز تا پایان به وسیله سوره های پس از آن تفصیل داده می شود. دیگر مجموعه ها هر یک بخشی از معانی سوره بقره را به ترتیب ورود این معانی در سوره بقره تفصیل می دهند. بنابراین در مجموع، این سوره ۲۴ بار در قرآن به وسیله مجموعه های بیست و چهارگانه تفصیل داده شده است. ۲۵

سعید حوئی نخستین و مهم ترین خاصیت تفسیر خود را همان نظریه جدیدی که در موضوع وحدت قرآنی ارائه کرده است می داند که در تمامی تفسیر خود به آن پایبند است، و آغاز این بارقه را که آفاقی گسترده در فهم معانی قرآن و سیاق کلی آن و نیز سیاق خاص داخل هر سوره برای او گشوده، دوران کودکی یاد می کند که بسیار در باره اسرار پیوند میان آیه ها و سوره ها اندیشیده است. وی چگونگی این ارتباط را به شرح زیر توضیح می دهد:

۱. آیات نخست سوره بقره با «الم» آغاز و به «اولئک هم المفلحون» پایان می یابد؛ سوره آل عمران نیز با «الم» آغاز و به «لعلکم تفلحون» پایان می یابد.

۲. پس از مقدمه سوره بقره این آیه قرار دارد: «یا ایها الذین اعدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون» (بقره/۲۱)؛ سوره نساء نیز با «یا ایها الناس اتقوا ربکم» آغاز می شود.

۳. در سوره بقره پس از بیان تعدادی از آیات، مسأله وفای به عهد مطرح شده است: «و ما یضلّ به الا الفاسقین. الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه» (بقره/۲۷-۲۶)؛ سوره مائده نیز با فرمان به وفای به عهد آغاز می شود: «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود».

۴. در سوره بقره پس از آیات یاد شده مطرح می شود که خداوند آنچه را در زمین وجود دارد برای انسان آفریده: «هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً» (بقره/۲۹)؛ در سوره انعام همین معنی تفصیل داده می شود، به همین دلیل در این سوره آیتی که با کلمه «و هو» آغاز گردیده تکرار شده است، و حتی آخرین آیه، بحث خلافت انسان را در زمین مطرح می کند: «و هو الذی جعلکم خلائف الأرض».

۵. در سوره بقره، داستان آدم(ع) با پیروی از هدایت الهی پایان می یابد: «فمن تبع هدای فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون» (بقره/۳۸)؛ در آیه دو از سوره اعراف نیز مسأله هدایت مطرح شده و داستان آدم از آغاز آن بیان می شود: «اتبعوا ما انزل الیکم من ربکم» (اعراف/۳).

۶. در ادامه سوره بقره آیه مربوط به وجوب قتال مطرح می شود: «کتب علیکم القتال...» (بقره/۲۱۶) و بدون فاصله پس از آن، پرسش از قضیه ای که در ارتباط با قتال است مطرح می شود و با «یسألونک» آغاز می گردد؛ سوره انفال و براءت نیز پیرامون موضوع قتال گفت و گو می کنند و آغاز سوره انفال با «یسألونک» است؛ گویا این دو سوره تفصیل قضایای مربوط به نبرد هستند.

بنابراین سوره های هفتگانه پس از بقره به همان شیوه تسلسل موضوعات سوره بقره آمده اند و برای هر یک محوری در سوره بقره وجود دارد. ۲۶

۱. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، چاپ اول، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۸، ۴۱۲.

۲. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۷ م، ۱۵۱ - ۱۵۲.

۳. بنگرید به: البرهان فی علوم القرآن، بدرالدین زرکشی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، ۲۶۱/۱.

۴. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ذیل سوره مائده.

۵. همان، ۱۴۷/۱۰ - ۱۴۸.

۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۶/۵.

۷. مراغی، محمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا، ۳/۳۰.

۸. سیوطی، جلال الدین، ترتیب سور القرآن، (تناسق الدرر فی تناسب السور) تحقیق السید الجمیلی، دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۰ م، ۴۲.

۹. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، ۳۶/۱.

۱۰. نصر حامد ابوزید، مفهوم النص، بیروت، مرکز الثقافی العربی، ۱۹۹۸ م، ۱۶۲.

۱۱. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، ۳۸/۱.

١٢. بنگريد به: البرهان فى علوم القرآن، ١/ ٣٨؛ مفهوم النص، ١٦٥ - ١٦٦.
١٣. بنگريد به: البرهان فى علوم القرآن، ١/ ٣٨؛ ترتيب سور القرآن، ١٦٧.
١٤. بنگريد به: الميزان فى تفسير القرآن، محمد حسين طباطبايى، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، ١٤١٧ ق، ٢٠/ ٤٢١-٤٢٢.
١٥. رشيدرضا، محمد، تفسير المنار، ١٢/ ٢٥١.
١٦. سيوطى، جلال الدين، ترتيب سور القرآن، ٨٤.
١٧. همان، ١١٠.
١٨. همان، ١١٠- ١١١.
١٩. همان، ١٥٤.
٢٠. به عنوان نمونه بنگريد به تناسبى كه سيوطى ميان فرجام سورة عنكبوت با قصص ايجاد مى كند: همان، ٩٩.
٢١. همان، ١٢٦.
٢٢. بنگريد به مقاله: تناسب الآيات و السور، مرتضى ايروانى، مجله دانشكده الهيات دانشگاه فردوسى مشهد، شماره ٣٧ و ٣٨ پاييز و زمستان ١٣٧٦ ش.
٢٣. بنگريد به: الأساس فى التفسير، سعيد حوى، قاهره، دارالسلام، ١٤١٢ ق، ١/ ٣٠ و ١١/ ٦٧٧٠ و ٦٧٧١.
٢٤. همان، ٣١/١.
٢٥. همان، ١١/ ٦٧٧٠ - ٦٧٧١.
٢٦. همان، ٢١/١ - ٣١.

